

انقلاب تداوم دارد...



باز هم درباره وظایف ما

یورش ارتجاع در اسفند ماه سال گذشته به مراکز تویج و جاپخانه سازمان و در پی آن شهادت و دستگیری تعدادی از رفقا و نیز از میان رفتن بخش از امکانات چاپ و تکثیر سازمان و فضای سه ماهه در انتشار نشریه کار پیش آورد. هر چند این ضربات سنگین بود اما بی تردید همانگونه که تاریخ بارها نشان داده است، ارتجاع قادر نیست نیروهای انقلابی را از فعالیت و رشد باز دارد. از همین رو بنا بر اهمیت و نقش که نشریه کار پیش در شرایط کنونی جنبش ما باید ایفا نماید انتشار هر چه سریعتر آن در دستور کار قرار گرفت. چرا که تنها بقیه تبلیغ و ترویج نشریه انتشار مستمر آن را اجتناب ناپذیر است. از آن جهت متن سازمانده کار در شرایط سرکوب و اختناق و یورش دیوانهوار ارتجاع از اهمیت ویژه ای برخوردار میگردد. بنابراین انتشار نشریه از سر گرفته شد و شماره ۱۵۳ آن منتشر گردید اگرچه تویج نشریه تا شماره ۱۴۲ به شکل صورت نگرفت و شماره تویج شده آن در پی یورش ارتجاع به جاپخانه به تازگی رفت با این وجود اکنون دیگر به علت کمبود مطالب تکثیر و تویج نسخه های موجود آن ضرورت خود را از دست داده است (سلما از مطالب تویج این شماره شماره ها استفاده خواهند شد) تنها آنچه از اهمیت بسیار برخوردار بود و نیاز به تکثیر و تویج مجدد داشت برنامه عمل انقلابی سازمان بود (که نشریه شماره ۱۵۰ تا ما به آن اختصاص یافته بود) این برنامه عمل که بنسبیت سالگرد تمام بهمن ماه انتشار گردید اکنون بصورت نوشته ای جداگانه تکثیر و پخش شده است. بنابراین پس از سه ماه وقفه در انتشار نشریه اینک دست به انتشار شماره ۱۵۳ آن میزنیم. در این شماره ضروری بود که بپایر دیگر نظری کلی به تحول اوضاع سیاسی جامعه بیاوریم و وظایف خود را در مرحله کنونی جنبش تعیین کنیم. نظری کلی به اوضاع سیاسی جامعه نشان میدهد که علیرغم یک رشته تحولاتی که طی یکسال گذشته در اوضاع سیاسی جامعه و تناسب نیروها به نفع هیئت حاکمه صورت گرفته است اما همچنان با یک وضعیت سیاسی ناپایده - از درگیریهای پراکنده عدم تثبیت طبقی حاکمیت و چشم انداز یک انقلابی مجدد جنبش آشکار و اغتراب تر بوده و که بپایر روند های عینی ناامید و خوار کننده است که در بطرحا - معمه با حدت و شدت هر چه تمامتر در حال رشتورسیدگی است و روبرو هستیم.

جنبش نظر میسرند که در پی یورش ارتجاع در یکسال گذشته و اعمال سیاست سرکوب و اختناق، نوی اوضاع سیاسی - جامعه حاکم شده است. بی تفاوتی سیاسی در میان بخش وسیعی از توده های مردم رشد کرده است. انسجام و سازمان یافتگی هیئت حاکمه و قدرت دولتی بیشتر شده است. از ایام بحران سیاسی به نحو محسوس گامته شده است. ضعف نسبی انقلاب در پائین ترین حد خود قرار گرفته است. سازمانهای سیاسی به درجات متفاوت آسیب دیده اند و میزان فعالیت آنها به نحو چشم گیری افت کرده است و در یک کلام تناسب قوا سوختا به نفع هیئت حاکمه بر هم خورده است. کافی است که اوضاع سیاسی یک سال پیش را با وضعیت موجود مقایسه کنیم.

اتان مطالبید بکار گیرند. یورش وحشیانه رژیم نتوانست چیزی به جز افت مبارزات توده ها و وحشت توده های را به دنبال آورد. توده های که هر چند در زیر فشار چرخهای زندگی درد در تمامی رگانش جاریست اما جهت ارتقا مبارزات خود و بکار گیری تحریک در مقابله سیاست ریگانه تویج - که اینک عریان تر اعمال میگردد - نیازمند فرصت است. اما چگونه میتوان دانست که این پایان ماجرا نیست؟ ضربات وارد آمده بر پیشرو انقلابی که حتی به از هم پاشیدن برخی سازمانهای کونیستی انجامیده ضربات

سرکوب وحشیانه رژیم که با بکار گیری در ششانه ترس شیوه ها اعمال میگردد مسلما نتوانست در پی خود افت مبارزات توده ها را به همراه نیاورد. مبارزات توده ها در شرایط ضعف پیشرو انقلابی در وجه عمده اشکال خود انگیخته را شامل میگردد و از اینرو جمع بندی تحریک و تعیین آموخته ها شکلی بطبیق را میماند. توده ها در شرایط یورش وحشیانه رژیم که تمامی قدرت قهر و سرکوب خود را به میدان کشید نتوانستند (و نمیتوانستند) اشکال مبارزات متناسب جهت مقابله اشکالی که سطح کیفی ارتقا یافته ای را نسبت به مبارزات در حیران

گزارش به هواداران

نزدیک ۴

با ایمنان به آرمان سرخ کارگران
با ایمنان به پیروزی راهمان

پسروز بساد
جنبش مقاومت خلق کرد

در شماره ۱۰

رفقا!
خبسرنامه های محلی را سازمان دهید

تشدید خفتان و سانسور در یک دوران انقلابی همیشه با تشدید تمایل توده ها به کسب حیر همراه بوده است. رویدادهای منجول و کوناکین و سریع روزمره در این دوران علیرغم دانشی ترین نوع سانسور در هر کوی و بزمی بطرفی مهر خرد را در پدید نظریه توده ها در اولین برخورد با دستا سن آشنایی و همکاران خودیلا - قاصه میسرند تازه چه خبر؟ این جمله تنها یک عنوان عادی و گذرا در مجازات روزمره تودهای

نیست. یک نیاز حاد تودهای است که واکنش طبیعی و انتخاب ناپذیر مردم در مقابل سانسور دانشی ضد انقلاب حاکم می باشد. با توجه به این نیاز مردم توده ایست که متوالی از خبر به صورت شدکی از اشکال فعالیت طبیعی در جهت تسخیر و تغییر روح و زندگی آنها است. در این مورد، ترویج سیاسی که قادر باشد تمایل توده ها به کسب خبر را با انتقال نظم خبر به آنها ارضا نماید نه تنها خود را به

توده ها نزدیک کرده به پیوندی ارگانیک تر با آنها دست می یابد. نه تنها با مطلع کردن آنها از رویدادهای متحول اجتماعی روحیه مبارزاتی آنها را بالا میبرد بلکه و مهمتر از آن با تنظیم خبری راستای مواضع خود حیواند از آن مانند یک وسیله تبلیغی سودجویانه بنا بر - بین در وضعیت کنونی که اختناق و سانسور بیاد میکند و توده هائند خبر هستند خبر بقیه در صفحه ۸

بسیار
توجه
نقل
دین

گزارش به هواداران ★

رفقا! اینک پس از سه ماه که از تاراج آخرین شماره‌های نشریه نگار توسط مزدوران رژیم میگذرد، بار دیگر دست به انتشار ارگان سازمان میزنیم. در این مدت هر چند برنامه عمل سازمان که جاب اول آن یعنی نشریه شماره ۱۵۰ به دست رژیم به بی‌مبارکت تکثیر و توزیع گردید اما میتوان گفت ارتباط ما با رفقایمان با شهرهای وسیع هوادار و از این طریق باید همه‌ی جمع پیشرو مهنیان قلم خود، هواداران و شاخه‌های مختلف سازمان تلاش بسیاری را در بر زمین کمبود بکار گرفتند و در حد قدرت خود دست به تهیه اعلامیه‌ها، نشریات و خبرنامه‌های محلی زدند اما به هر صورت ریسکان سرخی که سیاست ناموسی این حرکت را بپوشد بگریزند دهه قطع بود. در این مدت هر چند که قادر بودیم دست به تهیه و توزیع اعلامیه، تراکت، بیانیه و... بزنیم اما از آنرو که سیاست عمده از غیر عدم مبارز شناخت نمایان و در جهت بازسازی هرچه سریعتر تشکیلات و تدارک مجدد و سازماندهی نوین ارگان نگار گرفتیم. از آنرو که شکل دیگر عمل هر چند نمیتوانست تاثیراتی جزئی و فوری را ایجاد نماید اما به هر دو انتشار ارگان را حتی برای مدتی کوتاه به تأخیر می‌انداخت و این خود در دراز مدت اصولی نمی‌نمود. اینک در شماره نخستین که پس از این وقفه انتشار مییابد وظیفه خود میدانیم که از وقایع و تحولاتی که در این مدت سازمان با آن روبرو بوده به نمای رفقا، هواداران و... بگویم.

گزارش در همین شماره میخوانید. از آنرو که شکل دیگر عمل هر چند نمیتوانست تاثیراتی جزئی و فوری را ایجاد نماید اما به هر دو انتشار ارگان را حتی برای مدتی کوتاه به تأخیر می‌انداخت و این خود در دراز مدت اصولی نمی‌نمود. اینک در شماره نخستین

که پس از این وقفه انتشار مییابد وظیفه خود میدانیم که از وقایع و تحولاتی که در این مدت سازمان با آن روبرو بوده به نمای رفقا، هواداران و... بگویم.

۱- چگونگی وارد آمدن ضربه: ضربه اسفند ماه از روز شنبه ۲۱ اسفند آغاز گشت و در روز سه شنبه ۲۵ اسفند ماه پایان یافت. بر اساس تحقیقات انجام شده و اطلاعات بدست آمده شبانه شب احمد عطااللهی (مسئول چاپ و مشاور مرکزیت) دستگیر میشود. در همین شب رفیق حمید آزادی (از حوزه چاپ و توزیع مسئول توزیع نشریه) بر اثر پیوستن رژیم به خانه‌اش شهید میگردد. جایگاه سازمان نیز در همین شب ضربه خورده بدست رژیم می‌افتد. یکشنبه شب مرکز شمارش مورد پیوستن رژیم قرار می‌گیرد. رفقا عباس، امیر و حواد (از حوزه چاپ) در همین روز دگرگی که شعر به گشته شدن رفیق کیمه محل ود و پاسدار میگردد به شهادت میرسند. در همین روز رفیق نظام (عضو مرکزیت، مسئول کمیته کارگری و تشکیلات تهران) که برای سرکشی به کیمه از مراکز توزیع رفته بود ضربه خورده به شهادت میرسد. صبح روز شنبه رفقا کاظم (عضو مرکزیت و مسئول کمیته اضتی) و خشیار (عضو مرکزیت و مسئول کمیته اضتی) مظلوم شده بودند با تأکید بر این مطلب که اگر اسامی تلفظی برادر بر، خانه‌اش میروم خارج میشوند هر دو رفیق در درگیری با مزدوران به شهادت میرسند روز سه شنبه رفیق هادی (عضو مرکزیت مسئول تدارکات و امیر مالی و مسئول کمیته نظاهی) با دریافت بیخای از احمد که برای او فرستاده بود به محل قرار می‌رود و ضربه می‌خورد ضربه در اینجا پایان میابد.

خود فریضی پیشه کرده و تن به مزدوری رژیم سپرده است. تحقیقات ما نیز مید این ساله است. احمد حدود یکماه قبل از ضربه در خیابان توسط اطلاعات شهرستانی دستگیر میشود و پس از تحویل او در سو تلفن خانه پدری اش را به پلیس میدهد. پس از آن احمد توسط پلی از رفقای پرسنل شهرستانی با فراری داده میشود. پس از فرار بر اساس اطلاع شهرستانی و کمیته‌های نیروی هوایی جهت دستگیری احمد و رفیق اختصاص میدهند. احمد علیرغم پخشنامه مرکزیت منبسی برعدم تماس رفقا با خانواده هایشان در ایام عید و علیرغم دادن آدرس به شهرستانی با خانواده‌اش تماس میگیرد و با مادرش قرار ملاقات میگذارد. پلیس با اطلاع از این امر به تعقیب احمد میرد از دو به مراکز چاپ و توزیع دست می‌یابد.

آنچه روشن است احمد به محض دستگیری به

هنگامی پالیس می‌پردازد. تنها با همکاری احمد ممکن بود جایگاه سالم بدست پلیس بیفتد. (که چنین شد) اطلاعاتی که رژیم اعلام کرد تنها نتواند از سوی احمد در اختیارش قرار گرفته باشد و همچنین رفقا هادی، کاظم و خشیار در ارتباط مستقیم با خیانت احمد به سر قرار رفته و ضربه خورده‌اند.

۲- مسیر حرکت در جهت بازسازی و نظرات موجود: پس از وارد آمدن ضربه اسفند ماه سازمان در همین کوشش جهت بازگشتن در حالی موجود و جلوگیری از تداوم ضربه، که کمیته‌ها با موفقیت توانمود و سرعت پایان گرفت، کمیته‌ها تدارکات عین تحلیل ضربه روند بازسازی تشکیلات تداوم حرکت آتی را برنامه ریزی کند. در این رابطه رفقای گرایش اقلیت سازمان (ا-ق) که پس از ضربات وارد بر پیکار و مجاهدین تری منی برعهده بودن بقا، فیزیکی را مطرح کردند بودند و معتقد بودند پلیس از انسجام نسبی برخوردار شده‌است. اما تشکیلات مسئول حفاظتی شخصی ندارد. در نتیجه در شرایط کنونی بقا فیزیکی کارها در دسترس قرار دارد و این امر باید به پیش برود. حتی به قیمت سه ماه تعطیل کار نظرات خود را منجمت کرده و پیشنهاد تعطیل فعالیت‌های سازمان در سطح جامعه را دادند. رفقا طرح کردند:

۱- آرزوی که دستگاه پلیس به انسجام نسبی رسیده و اطلاعات رژیم بویژه اینک از ما زیاد است اما تشکیلات ما راه سیستم دفاع و حفاظتی است و آرزوی که هنوز عمل شخص سرمتنا، ضربات معلوم نشده، اگر غذا ضرورت قطعی دارد که فوریست و علاوه بر قطع کامل ارتباطی مراکز که ضربه خورده است و بهر شکل شکوک بنظر رسیده‌اند، باید کمیته فعالیت‌های بیرونی، ایجاد

جلسات حوزه‌های - ارتباطات غیر ضروری در تهران ملغی گردد. رفقای ا.ق در همین رابطه پیشنهاد انتقال رفقای رهبری به نقاط امن و آنگاه قرار گرفتن تحلیل ضربه و روند بازسازی در دسترس بحث تشکیلات را ارائه کردند.

این پیشنهاد کوتاهی پس از این پیشنهاد رفقای ا.ق را سامانیه وین اطلاع مرکزیت دست به انتشار جزوه‌ای بنام "ترازنامه و چشم‌انداز" زدند. این جزوه که حاوی نظریات رفقا است بعنوان بولتن شماره ۱ مبارزه ایدئولوژیک علنی حساب شده بود که در جایگاه به تاراج رفت و پس از ضربه قرار بود در اسرع وقت تجدید چاپ گردد که رفقا دست به این عمل زدند. این عمل از سوی گرایش اکثریت سازمانی (ا.ک) بعنوان عملی سازمان شکنانه و فراموشی مردانقتار گرفت. رفقای ا.ق در مقابل این انتقادات مطرح می‌کردند که آرزوی که بعلمت شرایط کنونی سازماندهی مستقل خود برای انقلاب ضروری است سازمان باید وجود یک فراکسیون سیاسی - تشکیلاتی را پذیرا شود در غیر اینصورت انتشار "ترازنامه و چشم‌انداز" به معنای انشعاب است. رفقای ا.ک در مقابل این برخورد مطرح می‌کردند:

۱- کنگره سازمانی باره ساله "حق گرایش" که خود مقدمه ایجاد فراکسیون است و از سوی ا.ق پیشنهاد شده بود بخوش نشان میداد که اکثریت سازمان با فراکسیون منبسی مخالفند. انشعاب نیز در شرایط کنونی زیورس است و توده‌های تشکیلاتی را در بلا تکلیفی و در مقابل یک تصمیم گیری اجباری بدون اطلاع رفیق از مواضع دو طرف قرار میدهد. در همین رابطه برای جلوگیری از انشعاب ناسالمی زودرس از سوی رفقای ا.ک پیشنهاد شد که در همین شهید روند بازسازی، مدت دو ماه (که قابل تجدید نیز هست) جهت مبارزه ایدئولوژیک و ارائه نظریات مختلف به درون تشکیلات و برخورد فعال از سوی بدنه سازمان در نظر گرفته شود و در انتهای این مهلت بر سر مشورت اوم حرکت (مواضع مشترک فراکسیون) انشعاب بسازد. در جلسه‌ای مشترک تصمیم گیری خواهد شد. رفقای ا.ق در ابتدا پشت به تشکیلات پای می‌فشردند اما پس از فراکسیون منبسی به تشکیلات پای می‌فشردند اما پس از بخشهای بسیار در جلسه مرکزیت و مشاورین با تأکید

بر این امر که "انشعاب قطعی است" این طرح را پذیرفتند. رفقای ا.ق در همین جلسه در مورد انتشار خود سرانه جزوه به خود انتقاد کردند. رفقا همچنین اعلام نمودند که تا کنون روابط مساوی تشکیلاتی نداشتند و سازماندهی مستقل نکرده‌اند و تا انتهای پروسه نیز به چنین عملی دست نخواهند زد.

۳- مبارزه ایدئولوژیک علنی: پس از تصویبات فوق در رابطه با پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک علنی متن "ترازنامه و چشم‌انداز" بعنوان نقطه نظرات گرایش ا.ق و بعنوان "بولتن شماره ۱" ساحتات منتشر شد. از سوی دیگر اطلاعیه‌ای از سوی رفقای ا.ق ارائه شد بدین اطلاعیه که اعضای رفیق شهید کاظم را نیز دارد از سوی رفقای ا.ق در اسفند ماه جهت اعلام مواضع و انشعاب تهیه شده بود است و پس از ضربات انتشار یافت. از سوی گرایش ا.ک در رابطه با نقد نظرات رفقای ا.ق و ارائه نقطه نظرات این گرایش جزوه "لنسیسم یا تروتسکیسم" بعنوان بولتن شماره ۲ انتشار یافت.

در ضمن ارائه شده رفقای ا.ک بر عدم پذیرش فراکسیون منبسی در درون تشکیلات تأکید می‌نمایند و معتقدند در تشکیلات سازماندهی واحد و رهبری واحد الزامی است و این امر بخصوص در شرایط دیکتاتوری عریان کنونی لازمه تداوم حرکت و بقای رژیم است. رفقا معتقدند در این حال که مبارزه ایدئولوژیک علنی تداوم خواهد یافت و رفقای ا.ق به ارائه نقطه نظرات خود خواهند پرداخت در خط مشی و روند پیشبرد حرکت تابع سیاست‌های ضربه سازمان خواهند بود و در این رابطه سازماندهی مستقل در تشکیلات معنایی نخواهد داشت. رفقای ا.ق بر ضرورت ایجاد فراکسیون تأکید می‌نمایند و معتقدند از آنرو که "سازماندهی مستقل خود برای انقلاب ضروری است" معیار به تشکیل فراکسیون سیاسی - تشکیلاتی خود میباشند. رفقا تنها در صورت پذیرش فراکسیون از سوی ا.ک تداوم کار در تشکیلات را می‌پذیرند.

علیرغم تمایز کاستی‌ها، علیرغم آنکه رفقای ا.ق برخلاف انتقاد از خود تجدیدشان جزوات دیگری را نیز خود سرانه تکثیر و توزیع کردند اما به هر دو سازمان در شرایط سخت موجود شکل گیری مبارزه ایدئولوژیک علنی را تجربه می‌کرد و توده‌های سازمانی اینک می‌روند تا به شرکت فعال در مبارزه ایدئولوژیک می‌پیوندند اما گرایش ا.ق که نتوانست با تمایز ادعاهایش در مورد اعتقاد به مبارزه ایدئولوژیک سراسری در کوران این مبارزه خود صلا بتدریج تنگ میگرفت و کنگره می‌گشت تا آنکه پس از انتشار جزوه "لنسیسم یا تروتسکیسم" که به نقد دیدگاه‌های این گرایش پرداخته بود آنجا به تکثیر و توزیع خود سرانه جزوات دیگری پرداختند و در نهایت نیز چهار تن از رفقای ا.ق اطلاعیه‌ای را تحت عنوان "روش کار سوسیالیستی" و با امضا سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران - گرایش سوسیالیست انقلابی" منتشر کردند. بدین طریق بار دیگر خود سرانه حتی تصمیم گیری و انشعاب را از توده‌های تشکیلاتی و حق دانستن می‌گزیدند و از توده‌های پیشرو میپسنان سلب کردند. آنان تصور کردند که تنها با نهادن نام فدایی سیر خود دارند در میان توده‌های انبوهی و حیثیت دست یابند و در این راه از "پیشانیان خانه نشین" خود درس نگرفتند.

بقیه در صفحه ۴

انقلاب

این دیکتاتوری سلبا و خفان حاکم دستوان از انقلابی سخنرانی و مارکس تنها آنکا انقلابات ۱۸۴۸-۴۹ را شکست خورد و تنها آنگاه دست از دوت پرولتاریا به سازمان دادن قیام و به صلح شدن و به شکل دادن تعرضی هر چه وسیعتر و پرآمنهتر کشید که بروشنی دریافت بحران همه گیر صنعتی و بازرگانی کنترل شده استوتنها آنگاه که دریافت ارتجاع نیروی حیات بخش تازه ای یافته است مارکس بدستی میدید که بحران جهانی مبادله بحران اقتصادی که سراسر اروپا را فرا گرفته بود صادر انقلابات ۱۸۴۸-۴۹ است. نهایتا انفجار نا رضایی عمومی تسریع گردید و حالت انقلابی با در واقعته جهانی رسیده شد. آفت زدمی سبب زمینسی و کمبود غله در سالهای ۱۸۴۵-۴۶ بر هیجان مردم افزود. گمبای سال ۱۸۴۷ سبب برخورد های خونینی در فرانسه و همچنین دیگر بخشهای اروپا شد. دو سبب واقعه مهم اقتصادی که آغاز انقلاب را تسریع کرد بحران همه گیر صنعتی و بازرگانی در انگلیس بود. سرانجام در پاییز سال ۱۸۴۷ با شکستگی عده فریضان خود را برادر لندن بحران آغاز شد. در پی آن نارسایی های بانکهای زمین و تعطیل کارخانه های در بخشهای صنعتی انگلستان شروع شد. آثار بعدی بحران بر اروپا هنوز ازین زوئنه بود که انقلاب فوری آغاز گردید (مارزه طبقاتی در فرانسه مارکس، ۱۸۵۰).

واژ همین روزگار تا آن زمان که بحران تمام داشت علیترسم تعالی سرکوبها و یورشهای ارتجاع علیه یکره های ملی که حتی به از هم پاشیدن تعالی تنگنات اتحادیه کوششها انجامید و حتی علیترسم شکست قیام جنوب تمام تداوم انقلاب و تعرض هر چه وسیعتر و سازمان دادن کارگران مسلح جهت قیام راه نمودن میدان کرد.

مارکس در بهار سال ۱۸۵۰ با ارزیابی مجدد از انقلابات امکان اعیای مجدد آن شکل گیری خیرترن های کارگران را مورد تاکید قرار داد و بار دیگر بر سازماندهی سلطانه پرولتاریای انقلابی تاکید کرد (بانیان اتحادیه کوششها) - نهایتا در پاییز سال ۱۸۵۰ آنگاه که با یک بررسی وسیع دریافت که بحران صنعتی و بحران جهانی مبادله کنترل شده است آنگاه که دریافت دیگر آن شرایطی هستی که انقلاب را موجب گشته بود فراهم نیست شکست انقلاب و آغاز دوران پیشروی بطنی انقلاب انجام کارهای تئودوسی و تنگناتی و فعالیت آرام جهت سازمان دادن لشکر سیاسی انقلاب را اعلام کرد.

انگلس برآز گذشت سالها و برآز جمع بندی و تدقیق تجربیات انقلابات ۴۹-۴۸ برآمین برآز که مارکس به این انقلابات می رسید.

در اولین بررسی که پس از بهار ۱۸۵۰ زمانی که مارکس درباره فراقسی برای مطالعه در زمینه های اقتصادی و قبل از هر چیز تاریخ اقتصادی ده سال گذشته بدست آورد بود انجام گرفت و با آنجا که تلاطمها بخاطر حال شکاف اروپا چه تجربه استنباط کرده بود، از طریق خود آموزا قعیتمتی بحران جهانی مبادله در سال ۱۸۴۷ که راستی مادر انقلابات فوری بود و بر رونق صنعتی که به اروپا و از اواسط ۱۸۴۸ آغاز شده و در سالهای ۱۸۴۹-۱۸۵۰ به اوج خود رسید و نیروی حیات بخش ارتجاع تازه ای اروپا گردید بود برایش مطلق روشن گردید. در صورتیکه در سمفاله اول (که در شماره های ژانویه فوریه و مارس در نشریه سیاسی اقتصادی نیویورک نشراتونته ۱۸۵۰ آورنده) هنوز انتظار بلندترین زمین و بر قدرت انقلابی بیروت مروری تاریخچه که توسط یادگرو من در آخرین شماره آورده شد و همچنین شماره ۱۸۵۰ انتشار یافت بکار برای همزمانی توهمات را بدو افکند.

(مقدمای بر مارزه طبقاتی در فرانسه مارکس) لنین با بررسی دقیق تجارب انقلابات جهانی و خصوصن بر خورد مارکس و انگلس به انقلابات ۱۸۴۸ بود که در راس جنبش پرولتاریای روسیه در رهبری انقلاب ۵-۷-۱۱-۱۲ برداشت. لنین علیترسم تعالی آفتوخیزهای که در طول دو سال ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷ در سازمان توده ها حاصل گشت علیترسم تعالی آفتوهای بوقت و اثریها تا آن زمان که نشانهای جنبی بر آز بین رفتن سریع بحران می دیدند تا اوم انقلاب را گوشزد میکرد و پرولتاریا را به تملیح و تشکیل و آمادگی سرچشمیت قیام دعوت نمود در نوامبر ۱۹۰۵ لنین وضعیت موجود را چنین توصیف میکند:

نبرد بزرگ که پرولتاریا تزارسم را در گردان کرده به آخر رسیده است. به نظر می رسد که اعتراضات سیاسی سرسری در روسیه تقریبا در تمامی مناطق پامان یافته است. دشمن در یک جناح (فلاذت) بزرگترین عقب نشینی کرده لیکن در جنبه دیگر عمیقاً پیشروی نمود است (حکومت) نظامی دولستان) در مرکز دشمن اندکی عقب نشسته است ولی موضع قدرتمند

جدی و محافظه کار نو خود را برای نبردی هر چه خونین تر قلمی تر آماده میکند (بین دو نبرد - لنین).

در پاسخ به ششیکه که انقلاب را پایان یافته قلم کرده توده ها را به خانه ها فرا میخوانند میگوید:

"مرکز بر تمامی ریاکاران، دروغ بیابان را ازین دروغ بیابان! چنگک اعلام شده - مبارزه در جریان است و آنچه هم اکنون تجربه میکنیم چیزی نیست مگر آرزوی موقتی بین دو نبرد - (همانجا - تاکید از ما ست)

لنین تنها آنگاه انقلاب را شکست خورد نامید که رژیم تزاری با کودتای استولپین آخرین شراره های انقلاب را در خون خاوش باخست. کودتای استولپین بعنوان حلقه ای از یک زنجیره تلاشهای ضد انقلاب شکست انقلاب را قوت داد. کودتا تنها از آنرو قادر گشت تا پایان انقلاب را اعلام کند که بر زمینه سازشی طبقاتی بحران حاکم رومبار نمود. استولپین فقط با نیروی جسمانی بر شما غالب نگردید بلکه علیه آواز این احاط نیز بود که به عمل نوین خویش گام مسل اقتصادی یعنی لزوم برهم زدن جبری اصول قدیمی حاکمیت ارضی خصوصی برود (پاداشتهای سیاسی لنین - فوریه ۱۹۰۸) حکومت مطلقه اکنون قدرت خود را به وسیله اتحاد با ملاکها باند سیاه و کارخانه داران آکتیویست تقویت مینماید. (در رسهای انقلاب - لنین) اگر تزارسم توانست بر انقلاب فایق آید از آنرو بود که "جنبش شد بقایای زندگی ماقبل پروروزی و پانچارگال را در روسیه بسرعت معدوم سازد. تکامل پروروزی روسیه به سرعت شگرفی به پیشگام بر میدارد" (چپ جری - لنین) با به کنترل درآیدن بحران زمینه عینی انقلاب از بین رفت. سخن راندن از انقلاب در زمانی که تنگنات پروروزی روسیه یا سرعت شگرفی به پیشگام برآز نام بر میدارد - دیوانگی بیش نیست.

تجدیل بحران اینست که حل مسئله. مسئله اساسی اینست که همانگونه که لنین در پلانوم میسبال در مکرسی انقلابی (مارس - آوریل ۱۹۰۷) اشاره دارد و در قطعنامه کنفرانس حزبی نیز برآن تاکید شده است تا آنزمان که نشانه ای جنبی بر آزین رفتن سریع بحران وجود ندارد نمیتوان سخن از شکست انقلاب به میان آورد. اگر لنین کودتای استولپین را نقطه حرکت خود میدید تا از آنروست که استولپین فصل نوینی از سرکوب و خونریزی را

کشود، زیرا که تزار بسیار از این پرده ها را بازی کرده بود، و اگر سرکوب و اختناق استولپینی قادر گشت بر جنبش توده ها فایق آید تا آنروست که کشتار به تنهایی قادر است انقلاب را به شکست کشاند زیرا که هیچ مبارزاتی، هیچ کفایتی نمیتواند همینکه توده ها برخاسته باشند. مبارزات را از درون مبارزات تنها بر شعله هانفت میباشند و گروه های تازه نسوی از رزندگان را به مبارزه می کشانند. (آفتاز - تظاهرات - لنین) بلکه از آنروست که استولپین به پیشگانه تبدیل بحران حرکت جکره و بر سازش ملاکان زمین را به یورش و تهاشی بروروزی حق گاد تنها - انتخابت.

تعریف انقلابی - هر چه در مقابل "رکود سیاسی" بکار گرفته میشود؛ لنین در رابطه با اوضاع حاکم به مبارزات توده ها و نسواریط سیاسی حاکم بر جامعه همواره از دو دوره صحبت میکند. رکود سیاسی؛ دورانی که "توده ها در خوابند" دورها "از صحنه زندگی سیاسی بدورند" و به مسائل روزمره و زندگی عادی سرگرمند دوران خود توده ها دورانی که هیچگونه تغییرات اساسی و محسوس برورزم سیاسی بدید نمی آید" و در مقابل آن انقلابی - دورانی که توده های ملیوسی از خواب بر می خیزند، وضعیت نیز چون زندگی بطور عام" دستخوش تحولات سریع میگردد. روح زندگی سیاسی در مردم بیدار میشود مردم رفته رفته شروع به درک آزوم مبارزه علیه قدرت مطلقه مینمایند دورانی که یکسال آن معادل بیست سال دوران رکود است و طیونها در دهها میلیون از مردم در هر هفته بیش از یکسال زندگی عادی و خواب آلود جسمی می آموزند دورانی که در آن توده ها "به مرحله تعرض" گام مینهند.

به چگونگی تغییراتی که در طی شترسال اخیر در وضعیت شخص اجتماعی سیاسی روی داده است نظری می آتیم. در برابر ما قویا در دوره سه ساله خود نمایی میکند. که این مدت از زمان بدانیها تقسیم میگردد، یکی تقریبا در تابستان سال ۱۹۰۷ پایان میرسد و دیگری در تابستان ۱۹۱۰ صفت مشخصه سه سال اول از نقطه نظر صرفا شوریک تغییرات سریعی است که در خصوصیات اساسی رژیم دولتی روسیه روی داده است. ضمنا سیر این تغییرات خیلی ناموزون و میدان نوسان آن هر دو طرف خیلی وسیع بوده است. بر عکس صفت

شخصه سه ساله دوم که اینبار فقط از نقطه نظر صرفا شوریک جامعیه شناسی صحبت میکند

آنچنان تکامل بطوسی است که تقریبا با سکون برابر است. در رژیم جدیدی هیچگونه یا تقریبا هیچگونه بر آمد آشکار و جامعی از طرف طبقات راکتر آن "مرکه های" که در دوره پیش از این برآمد در آنجا، انحاء میگرفت مشاهده نمی گردند.

(دوره برخاستگی از خصوصیات تکامل تاریخی مارکسیسم - لنین ۱۱۱۰) جهت بررسی دقیق شرایط سیاسی حاکم و سیر مبارزات توده ها در این رابطه لنین همواره میزان الحاروه حرکات و اعتراضات کارگری را اختیار میکند. او با بررسی میزان اعتراضات کارگری در یکسال و در نهایت با تصمیم مدتی مبارزات - کارگری در هر دوره خصیصه مراحل گوناگون انقلاب را - توضیح میدهد.

"هنگامی که مدوای از اعتراضات - توده های در سال ۱۹۰۵ - آغاز شد این امر آغاز مرحله تدارک انقلاب خلقی بود. وقتی در ژانویه ۱۹۰۵ تعداد اعتراضیون در همان یکماه از ۱۰ هزار نفر تجاوز کرد این آغاز انقلاب واقعی بود. در سه سال انقلاب تعداد اعتراضیون با وجودی که به تدریج نزول میکرد (تقریبا ۳ میلیون در ۱۹۰۵، یک میلیون در ۱۹۰۶ و سه چهارم میلیون در ۱۹۰۷) از هر مقداری که در هر کشور دیده شده بود بیشتر بود. وقتی تعداد اعتراضیون بیکباره در سال ۱۹۰۸ (۱۱۷۱۰۰۰) - یائین آندو حتی بدنیال آن در ۱۹۰۹ (۱۱۰۰۰۰) تنزل مشخص تری پیدا کرد این به معنای پایان انقلاب اول یا به عبارت دیگر مرحله اول انقلاب بود. وهم اکنون بین از نامستان اسال دوساله در حال بالا رفتن است تعداد شرکت کنندگان در اعتراضات اقتصادی در حال افزایش است و به سرعت فزونی میابد مرحله سلطه بلاسازع ارتجاع با بد سیاهی به پایان رسیده و مرحله اعتلا توی در حال آغاز است. (آفتاز تظاهرات - لنین ۱۱۱۰)

شکست قطعی انقلاب نقطه پایان یک دوره از نبرد جدی بین انقلاب و ضد انقلاب بر سر تعیین سرزشت انقلاب است. نقطه ای است که بقیه از صفحه ۶

انقلاب

بقیه از صفحه ۵

و بر تشبیه آن کردن نهادند و انقلاب با بیخ و بن و خیز و آشکار گوناگون به پیش میروند. نگاه فلسفی میبود جاری است و نگاه در عین نگاه مستقیم ضربه میزند و نگاه غیر مستقیم. ولی در هر حال هم غنی است و هم مختصر هم مستقیم و هم غیر مستقیم و مهر خود را بر هر چیز در جامعه میگذرد. به خیابانها نگاه کنید: قرارگاهها وزارتخانهها و تمامی نهادهای رژیم را ببینید. سنگرهای سرمت سنن و مراثت صلحانها در مقابل یک یا چند ارگان وجود ندارد تمامی ارگانها

این امر بهتر است بایلی از مردم به صحبت بنشینیم. خواهیم دید که حتی عقب مانده ترین تودهها همانند نمایندگان نظری یک گرایش سیاسی بحث میکنند. درباره مسائل و موضوعات سیاسی که با زندگی آنان ارتباط تنگناک دارند. نظر میدهند جمع بندی میکنند و حتی بسیاری تا آنجا پیش میروند که تاکیکهای سازمان پیشرو را به نقد میکشند و به ارائه روشن مبارزه میرادارند.

مستقیم ترین تودهها بدنبال کتب اخبار سیاسی، بحث اختیاری سبب حاکم، به راهبهای خارجی گوش میدهند. در مورد هر سیاست و تصمیم رژیم اظهار نظر میکنند. در باره سخنرانان سازمان رژیم، موضعگیری میکنند. تودهها هر آنچه در جامعه میگذرد را به سیاست ربط میدهند و درباره آن اظهار نظر میکنند. هر چند ممکن است این علائم آنقدر روزمره نباشند که کمتر کسی به آنها توجه نماید. اما آنگاه که وضعیت حاکم بر تودهها را با دوران رکود یا شرایط خود تودهها - مثلا سالیهای ۵۰ - مقایسه کنیم بر روشنی میتوان گفت که تودهها سیاسی اند و باید دانست که تشبیه اندر شرایط اعتدالی انقلابی است که دخالت تودهها در امور سیاسی از آنجا شروع میشود. بر خیزش میگردند که سیاسی بودن آنها به امری عادی بدل میگردد.

آیا دوران تلاطم و انفجار دوران وقایع متنوع و تحولات سریع سرآمده است. آیا شرایط بحالت عادی - آغاز گشته و نظم و قانون برقرار است؟ علیرغم سانسور و خفقان سیاه حاکم بر تمامی جامعه، بخوبی میتوان حسش از لایه های سطحی روزنامه های رژیم دریافت کرد. چنین نیست. نمونه های کوچکی از این ساله را میتوان در عدم اجرای قوانین هویت رژیم دید. میتوان دید که چگونه حتی نهادهای دولتی که در ارتباط مستقیم با تودهها، تحت فشار آنان از چهار چوب قانون فراتر میروند، چگونه مبارزات سازندگسی، هیئت های تقسیم زمین و سایر شاخکهای رژیم در تضاد با کل سیستم قرار میگیرند و میسرورند. جهت جلوگیری از انفجارهای شدید توده های قانون را زیر پای یکداندند. و قیامهای آت عظیم بشوای تشکیلات آنان که در رأس میزند همه بهترین گویاه این ساله است. میتوان دید که چگونه حادترها سی انقلابی و توره های پس از این مدت سرکوب و وحشیانه هنوز از ایامادی وسیع برخوردار است. روشن است که اینک قدرت انقلاب پیشرو برای سرکوبی ضد انقلاب و حتی مقابله وسیع با آن کافی نیست اما این به معنی آن نیست که تودهها از حکومت اطاعت میکنند

حالت سیاست - ویدار حقیقت دست و پا زدن مذبوحانه - رژیم جهت کاندیدن بخشی از سرمایه های تجاری به صنعت یا شکست مفتوحانه میبرد. گشت. و در نهایت نیست که کوسر و سوزی و شکستهای ارزی و اقتصادی رژیم را تشبیه باشد. لغو اعتبارات تجاری و محدودیت بسیار برای اعطای ارز به تجارت کنترل وسیع رژیم بر خروج ارز از کشور. باقی حتی به پایتختی خنده آوری چون جلوگیری از داشتن ارز قدر دست هنگام خروج از کشور انجامید. گرایش شدید رژیم به انجام معاملات تجاری که خود از عدم ترین دلایل افزایش تجارت با کشورهای سرمایه داری است (که حتی لایحه آن به مجلس رفیع و دیگر حرکتی اینچنین همتی دلایل محکم برتری بودن خزانه و پایان یافتن ذخایر ارزی است.

در این میان کیست که در ایران زندگی کند و از روشنگری اقتصادی رژیم بی خبر باشد. افزایش سرمایه او را باقیانها، فضا را بوق و دیگر حرکتی اینچنین افزایش مجدد قیمت تولیدات، اختیاری دولت چون سیکار جای و... جرائم سنگین رانندگی، تسلی دولت به اجابای سیکار، افزایش عوارض اوتومبیلها، آنگاه به حمله های چون نگراندن از ترس حجاج برای سالیهای دیگره فروش که طلا به قیمت چند برابر بازار جهانی، کم کردن سهم بنزین و ماشینها و توسل به تاجرای کوبین... همه و همه نژادهای عربی بر روشنگری اقتصادی دولت است. رژیم بجای رسیده است که عوارض اتومبیلها را محسوسا افزایش دهد. در چنین شرایطی - سیر نزولی نرخ برابری تولید - افزایش واردات تنها در خدمت دامن زدن به بحران است. مصامحات بر بود و گزافی رژیم با ترکیه، پاکستان و دیگر کشورهای آسیای میانه نیز که محور اساسی آن بر تجارت شکی میبود، علیرغم تمامی معروضات که کشید آنها را بعنوان عوامل تشبیه خود به نمایش درآورد. حرکتی استدر جهت تعویق بحران و پس از اقتصادی که بر واردات متکی باشد. اقتصادی بیمار و بحران زده است. پیشرو این سیاست در عین افزایش سرمایه گذاری در عین تشدید روند تهری موجود، نه مانده ذخیره ارزی رژیم را نیز به سرعت بر بیاد میدهد. در مقابل بخشهای مختلف تولیدی - هر چند که تولیدی است - روز بروز بیشتر بسوی تعطیل پیش میروند. نبود مواد اولیه، عدم وجود کارگرهای متخصص و نبود پدکی عدم قدرت مدیریت... همه هم روز بروز کارخانجات بیشتری را به تعطیل میکشاند. در عین

روبروی از پا در آورد و - سرکوب نماید - و این به تنهایی کافی نیست - و از سوی دیگر بر بحران فاشی آید و آنرا تعدیل نماید. این قانون در تمامی تحارب تاریخی و در تمامی انقلابات به اثبات رسیده است.

انقلاب ۴۱-۴۸ آلمان، انقلاب ۱۹۰۵ روسیه، انقلاب شیلی در ۱۹۷۳، کودتای سال ۲۲ در ایران و حتی سرکوب ۱۵ خرداد سال ۴۲ بخوبی نشان میدهد که تشبیه سرکوبی که در پس آن رفسرم و فاشی مدن بر بحران نهفته است قادر است انقلاب را به شکست بکشد. این جوهر برخورد مارکسیستی - لنینیستی به ساله انقلاب است.

اینک باید به بررسی موقعیت کنونی انقلاب ایران پرداخت. ابتدا باید به مسئله کلیدی پاسخ گفت. آیا بحران تعدیل شده است؟ آیا هیچ نشانه ای مبنی بر باز رفتن سربخ بحران در دست است؟ بر روشنی میتوان گفت پاسخ منفی است. توده های که هر روز به تادترین مسائل اقتصادی با فقر و فلاکت و روشنگری دست به گریبانند بیشتر بر حاد شدن هستند که گواهی میدهند بحران تعویق نمیدهد حتی با آنگاه به آثارهای روزنامه های سرسپرده رژیم نیز دیده میشود که بارآوری تولید سالانه از سال ۴۰ و تا کنون سیری نزولی را طی کرده است و در عرض نرخ واردات سرصعودی شدیدی را برداشته است. در حقیقت میتوان بزبان ساده گفت چرخ تولید رژیم بر زار استوار مانده است. در چنین شرایطی - سیر نزولی نرخ برابری تولید - افزایش واردات تنها در خدمت دامن زدن به بحران است. مصامحات بر بود و گزافی رژیم با ترکیه، پاکستان و دیگر کشورهای آسیای میانه نیز که محور اساسی آن بر تجارت شکی میبود، علیرغم تمامی معروضات که کشید آنها را بعنوان عوامل تشبیه خود به نمایش درآورد. حرکتی استدر جهت تعویق بحران و پس از اقتصادی که بر واردات متکی باشد. اقتصادی بیمار و بحران زده است. پیشرو این سیاست در عین افزایش سرمایه گذاری در عین تشدید روند تهری موجود، نه مانده ذخیره ارزی رژیم را نیز به سرعت بر بیاد میدهد. در مقابل بخشهای مختلف تولیدی - هر چند که تولیدی است - روز بروز بیشتر بسوی تعطیل پیش میروند. نبود مواد اولیه، عدم وجود کارگرهای متخصص و نبود پدکی عدم قدرت مدیریت... همه هم روز بروز کارخانجات بیشتری را به تعطیل میکشاند. در عین

ضد انقلاب قادر میگردد در شئون اساسی زندگی اجتماعی، اجتماعی یک جامعه اراده خود را حاکم گرداند و توده های اجتماعی بر این اراده گردن میبندند. در زمان هر چه و هر چه و بی قانونی پایان میدهد و در آن نظم قانونی در دوران خود سیاسی و حاکمیت ارتجاع فرامیبرد. دوران تلاطم و انجازه های متعدد و وقایع متنوع در دوران حرکات سریع و سرکوبها پایان مییابد. واضع به حالت حساسی بر میگردد. رژیم سیاسی تشبیه میشود و تمیزات و تفاوتها در دوران این جبهه ای غیرقابل لمس تنزل مییابد. دیگر از برآمدهای آشکار و کمابیش وسیع توده های خبری نیست.

باید گفت در طول کشاکش بین انقلاب و ضد انقلاب پیروزیها و شکستهای فراوان حاصل میشود. بارها آتش بس، عقب نشینی و سپس تشدید جنگ و تعرض مجدد صورت میگیرد. بقل لنین سیر تغییرات در دوران اعتدالی بسیار ناموزن و دامنه نوسان آن به هر دو طرف بسیار وسیع است. رونق کشاکش انقلاب و ضد انقلاب پیروزیهای بی دری و پس از شکستهای متوالی نیست اما باید همواره شکستهای موقت، شکست در یک یا چند جبهه و عقب نشینی های حاصل از این شکستها را با شکست قطعی انقلاب متمایز دانست. ویژگی های این افت و خیزها، آراشهای موقت و وجه تمایز آنها با شکست قطعی انقلاب است. توده های انقلابی در جبهه های شکست میخورند و عقب می نشینند اما در جبهه دیگر به تعرض ادامه میدهند. سرکوب میشوند اما صحنه سیاسی را ترک نمیکنند. تعمیق میشوند اما بخواب فرو نمیروند و بحران همچنان در اوج تداوم دارد. تا آنزمان که تودهها حاضرند برای خواستهای اساسی خود به مبارزه آشکار و انقلابی روی آورند. شکست انقلاب حاصل نمیشود. تا زمانی که بحران عمومی اقتصادی آغاز انقلاب را سبب گشته است و تودهها را به میدان مبارزه کشانید. تعدیل نشده است. تودهها برای زندگی کردن راهی به جز روی آوردن به مبارزه و راهی به جز درهم شکنی و زیر پا نهادن قوانین تدارک ضد انقلابی رژیم خود تودهها را به سوی مبارزه هر چه و هر چه رژیم میزند. از آنرو که تسلیم در مقابل شرایط موجود - شرایطی که زاده بحران است - برابر است با مرگ.

تنها آنگاه ضد انقلاب قادر خواهد شد انقلاب را به شکست قطعی بکشد که از سوی تودهها را در تسیری

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران

انقلاب

شکست کامل شیوه های
مضطربانه امیز و بیپوده-
پلیس از جانب هیئت
حاکمه و پراختن
سازماندهی بلاواسطه
حکومت داخلی را نشان میدهد
که روز تصفیه حساب نهایی
نزدیک میسرود.

(لندن - ۱۰/۱۰/۴۰)
.....
.....

۱۱۰۵

در نهایت
مبارزات، اعتراضات و
انتراضات کارگری را به
بررسی هر چند
رژیم با تمامی توان میجست
اختیار این مبارزات به هیچ
نمای توان به سرکوب و پشیمان
آنها دست نزنند اما بازی
شاهد حرکات اعتراضی
و اعتراضات کارگری هستیم.
تنها در شش ماهه دوم ساله
۶۰ در کارخانجات فرج-
قزوین و استارلاب است
دن پاکستر، شوفاژ کار،
ایران ناسونال،
ایران ساسا، دهلان،
بری سیمالوهای پرورد،
کمبر گومان شاه، مزرعا،
خانه سازی تیسرینباری،
سازمان جای ودر میان
کارگران بندر خمینی شرکت
واحد ارومیه و... شاهد
اعتصاب بوده ایم و تنها در
هفتصد مدت در بسیاری از
کارخانجات دیگر و از جمله
ایران دو جرخ، پالایشگاه
تهران، تولید دارو راه آهن
کار منطقه ای اهواز و...
که کار علی صورت گرفته
است. اشکال دیگر حرکات
اعتراضی چون تعیین
انتخابات فرمایشی، شک
زدن مدیران و مسئولان
و... دارای وسعت
بسیار بوده است.

هرگاه به چشم نکته توجه
کنیم بیش از پیش در مایه
وسعت اعتراضات و حرکات
در این مدت از چه اهمیتی
برخوردار است. اولاً باید
دانست این تنها بخشی
از اعتراضات و حرکات اعتراضی
کارگران است که از آن -
اطلاع داریم. مسلم است
که اعتراضات و اعتراضات
بسیاری نیز در جریان بوده
است که گزارش از آن به ما
ارسال نشده است و سازمان
در آن محیط نیروی شناسایی
نداشتند. در مایه
توجه داشت که این حرکات
در شش ماهه در میان بعضی
دقیق در زمانی که تمامی
حرکات اعتراضی توده ها افت
کرده است زمانی که پیوستن
و پشیمان رژیم و تویل آن به
سرکوب علیس جو رعب و
وختش را بر توده ها حاکم
گردانده انجام یافته است
هرگاه این حرکات را با حرکات
شش ماهه اول سال در هم
آزمیم حرکاتی چون حرکات

عظیم و حماس کارگران
شهر صنعتی البرز، حرکت
شرکت واحد کفیل
و ایران پیژانم آنگاه ایجاد
اعتصاب پکنه آشهر
آشکارتر میگرد.

حال باید پرسید آیا رژیم
سیاسی یکبارچه گذشته است
آیا تضادهای درون رژیم در
..... اختلافات داخلی
..... کاهش یافته
است؟ آیا چشم انداز
تحولات اساسی درون رژیم
وجود ندارد؟ رژیم خمینی
پس از خارج کردن بنو صدر
از دور تضادهای درونی خود
هواره کشید تا یکپارچگی
کاری را به نمایش برآورد.
اما علیرغم تأکیدات مکرر بر
" وحدت کلمه " هرروز پیش
از پیش انکار بحران حاکم
بر تمامی شئون جامعه
بر رژیم سیاسی پدیدارگشت
و هر روز بیزارش تضادهای
رشد یافته از زیر دستان
و اختفای سر برآوردند. به
صورتیکه اینک کمترین از وجود
اختلافات اساسی و درگیری
های شدید درون رژیم
مطمئن نیست. "خط امام" یا

کار نهادن بنی صدر در بارش
از حاکمیت سیاسی در جهت
حذف لیبیرال بورکراتیک
وزارتخانه ها، ادارات ارتش
و بطور کلی نهادهای قانونی
بهیچ روی این امور امکان
نمیباشد. لیبیرالها این بار
در سطح پائین تر در بدنه
دستگاه دولتی در حد
مدیران، معاونین و... به
اعمال نفوذ و پشیمانی
سیاستهایشان مشغولند و
این در شرایطی است که
سرمداران نیز هستند که
در آرایش گرایش لیبیرالی
میباشند. از سوی دیگر خط
انجمن حجتیه با نفوذ وسیع
در ارگانهای اجرائی هیئت
دولت، استانداریها و -
همچنین شورای نگهبان و
شورای عالی قضای در مقابل
"خط امام" قد علم کرده است.
انجمن حجتیه در مقولات
کاملاً بنیادی و اساسی چون
عدم پذیرش ولایت فقیه، تأکید
بر جدایی دین از سیاست
(که جز اصول انجمن است)
حراست کامل از
مالکیت بدون هیچگونه
محدودیت و مخالفت با هر
گونه رژیم در این رابطه و
همچنین در زمینه های سیاسی
چون سرزدیسی به غرب عدم
پذیرش رژیم در رابطه با
نزدیکی های صلحی به شرق)
اولویت دادن مسائل اقتصادی
نسبت به جنگ و... پس
خط امام در تضاد قرار دارند
و با لیبیرالها - بخصوص -
لیبرالهای باقیمانده در بدنه
ارگانهای دولتی - همسر
میباشند. این صفت بنیادی
بشکل بسیار جدی در تمامی
ارگانهای رژیم به چشم
میخورد. تضاد امر تریستی
با انجمن های اسلامی مدارس

تضاد ستادهای پرکزاری نماز
جمعه با امامهای جمعیه،
تضاد استانداریها و فرماندار
ها نمایندگان امام
و امامهای جمعیه... که
در بسیاری نقاط از آنجمله
خرم آباد و یا برخی ضاطق
شمال به درگیریهای شدید
نیز انجامیده است. در گیت
خود نمودهای این اختلافات
است (متذکر میشود منظور

این نیست که تمام استانداریها
و فرماندارها حجتیه ای و
تمام امامهای جمعیه
خط امامی اندوخته بلکه
نهادها در شکل کلی خود
مطرح میباشند -
تضاد مذکور آنگاه که یار دیگر
اختلافات و از آنجمله تضاد
بین نهادهای "انقلابی"
و وزارتخانه ها، تضاد بین
ارگانهای اجرائی و مقننه و...
ادغام میگرد اختلافات اساسی آن
چنان وسیع را شکل میدهد
که هرروز شاهد نمونه های
متعددی از آن هستیم و
اختلافات شدید ارتش
و سپاه حتی در برخی نقاط
جبهه ها به درگیری مسلحانه
و یا عدم حمایت ارتش از برناه
های جنگی سپاه منجر شده
است. اختلافات شورایی
نگهبان و مجلس بامت شده
است که تقریباً تمامی لویج

و طرحهای اساسی حویه
مجلس بازگردانده شده و با
تعمیر کرد و عملاً از اجرائی
آن جلوگیری شود. دعوائی
شدید پرسر ادغام نهادهای
انقلابی در وزارتخانه ها و یا
بطور کلی خلق نهاد از این
نهادهای درگیر است که
نمودهای مشخص خود را در
رابطه با ادغام ارادگاههای
انقلاب در رادگستری
(اختلاف شدید بین موسوی
تبریزی و خط حاکم بر مجلس
شورای عالی قضای، موسوی
اردبیلی، و کمیون قضایی
مجلس) خلق بد از اجتمعی
اسلامی (تأکید مکرر نخست
وزیر و صدر بخشنامه در این
مورد) خلق بد از حصار
سازندگی توسط وزارت کشاورزی
(ارائه طرح خدمات کشاورزی
و مخالفت جهاد با آن) و -
همچنین در هنگام تصویب
اساسنامه سپاه پاسداران
(اختلافات وسیع بر سر
حیطه قدرت و مظهر سپاه)
باز مایه. در رابطه با
سیاست خارجی نیز اختلافات
وسعی درگیر است موضع
گیری وزارت امور خارجه رژیم
- جمهوری در رابطه با شوروی
مناطق خلیج و مخالفت وسیع
مجلس آن، موضع گیری در
رابطه با جنگ با اسرائیل و
عقب نشینی از آن، شکل
برخوردر با مسئله جنگ روس
گلی این اختلاف را نشان
میدهد در عین حال که در
سمت گیری گلی در رابطه با
شکل نزدیکی به غرب و شیوه
موضع گیری در رابطه با
کشورهای سوسیالیستی
اختلافات بسیاری حاکم
است. (خط امام بر منهای

تأکید بر معاملات نهائی و
جهت ایجاد رژیم برای خلاصی
از بحران در شرایط گسستن
دشمن بنیادی خود
کشورهای سوسیالیستی را
بشکل تأکیدی کنار میزند اما
حجتیه و لیبیرالها شدت از
نزدیکی به غرب و مقابله با
شرق دفاع میکنند)
توده ها اینبار نیز با
استفاده از تجارت خود
علیرغم تمامی کوششهای سران
حجتیه برده برخی اختلافات
آنگاه که میباشند بار دیگر
خیمی سخن از لزوم وحدت
کلمه، لزوم حفظ یکپارچگی،
جلوگیری از اختلافات دشمن
شادکن و... بیان می آورد.
بخشی در میبند که بار دیگر
انفجار در درون رژیم و شکاف
در میان آن نزدیک است.
بخشی روشن میگرد که
چشم انداز تغییرات
اساسی رژیم سیاسی و
"تحولات ناگهانی" کاملاً
کشوده است.

کاملاً روشن است که ما در
دوران انقلابی تغییر
میریم. هیچیک از شخصیات
رکود سیاسی در جامعه ما
به چشم نمیخورد. کاملاً
روشن است که نبود قلمرو
انقلاب و ضد انقلاب بر سر
تعیین سرنوشت انقلاب هنوز
درگیر نشده است. علیرغم
برتری موجود ضد انقلاب
هنوز رژیم تثبیت شده بر
ایران حاکم نیست. هنوز
منظم و قانونی برقرار نشده
و اوضاع بحالت نامدی خود
باز نگشته است. بحران
موجود تعدیل شده و از
همین رو چشم انداز قیام
آن بیش روی ما گذرانده است
تنها در اینجا این سؤال
مطرح میگرد که اقتصد
موجود در مبارزات توده ها
به چه شکل قابل تثبیت است؟

کفتم که لندن انقلابی
را درون یا تحولات سریع
اما با دامنه نوسانی وسیع
دورانی با تغییرات متعوم
اما ناظم و پروانی که سیر
تغییرات در آن خیلی
ناموزون است میدانند.
گفتم که در انقلابی انقلابی
حق زمانهایی "به نظری رسد
که آراش در جبهه ها برقرار
است" برای آنان که چون
مشقیها تنها در سطح
میباشد و در تمامی زمانها
بررسی های خود را بازمی بیند
تحولات عمیق و در روی صحنه
محدود میکنند در بسیاری
اوقات، در آن هنگام که
تضاد هادر عمیق جریان
می یابند، در آن هنگام که
انقلاب در عمق تداوم میابد،
در آن هنگام که توده ها
تجارب کسب شده خود را
جذب و تعصق میکنند انقلاب
شکست میخورد. آنان درک
بسیار کمی در صفحه

* ما تحلیل این تضادها
را در مقاله ای جداگانه ارائه
خواهیم داد.

وظایف

توجه به ویژگی سیاسی لحظه نونی از دید دشمن
 محقق نیابند و در همانجا با شرکت فعال در مبارزه
 روزمره کارگران سازماندهی و هدایت این مبارزات
 توده وسیع کارگران را در خود بسیج نماید. و
 زمینه را برای برپایی یک اقتصاد عمومی سیاسی هموار
 کند. نباید تصور کرد که این جنبه ها تنها از رفقای
 هوادار حفظ و حسی سازمان و کارگران هوادار
 در کار نخواهد بود. بلکه تشکیل خواهند شد. بلکه
 برعکس جنبه های محلی اقتصاد را باید که بتوانند
 تبدیل به ارکانهای مبارزه فعال توده کارگران
 گردند باید در برگیرنده تمام کارگران با کوشش و
 فعالیت سازمانی مختلف باشند. در جهت
 برانداختن رژیم جمهوری اسلامی مبارزه میکنند.
 این جنبه ها که در حقیقت جنبه های اتحاد عمل
 کارگری محسوب میگردند باید بر بهترین سطح
 توده های کارگر مبنی باشند. هنگامی که جنبه
 محلی اقتصاد در این جنبه ها شکل گرفت و عناصر
 پیشرو در آن در زمین گام بردارند در جهت تدارک
 اقتصاد عمومی برخواهند داشت. از این جنبه محلی
 اقتصاد باید با جنبه های محلی اقتصاد در
 کارخانه های دیگر تماس برگیرد. ارتباط میان
 جنبه های محلی اقتصاد در کارخانه ها و
 موسسات مختلفی و هم اعتدال کردن فعالیت و
 مبارزه آنها، در گام علی و پایین در جهت
 سازماندهی و اقتصاد عمومی سیاسی صورت خواهد
 گرفت. کارگران آگاه به صفی صفاتی خود تنها
 میباید در جهت ایجاد این جنبه های محلی
 در محلی کار خود فعالیت شرکت کنند. بلکه وظیفه
 دارند. کارگران کارخانه ها و موسسات دیگر را به
 ایجاد جنبه های محلی اقتصاد تشویق کنند. در
 اینجادر لازم است که در هر کارخانه که سیاست
 عمومی ما بر این پایه قرار دارد که در این زمینه
 پس از همه هسته های سرخ کارخانه را در رشته ها
 و مراکز استراتژی ایجاد کنیم و انرژی خود را در این
 مراکز متمرکز سازیم. امروز نیز میباید پیش از همه
 این جنبه های محلی اقتصاد را در آن رشته های
 تولیدی که در کارخانه ها و موسسات و بخشهای
 کارگران ایجاد کنیم که نقش مهم و تعیین کننده ای
 در تولید و اقتصاد جامعه ایفا میکنند و در میان
 کارگران این رشته های تولیدی اما که بیشترین
 وجود دارد.
 جنبه های محلی اقتصاد را تنها در میان
 کارگران و در درون کارخانه ها، بلکه در تمام
 موسسات و نهادهای که میتوانند در برپایی یک
 اقتصاد عمومی سیاسی عمومی نقش داشته باشند و در
 میان کارمندان و معلمان و... نیز میباید ایجاد
 کرد.
 اما سوال ایجاد جنبه های محلی اقتصاد
 هسته های محلی مقاومت نیز ابزار ضروری دیگر
 در جهت سازماندهی و هدایت مبارزات توده ها
 پیوسته افکار غیر پرولتاریا علیه رژیم حاکم محسوب
 میگردند که میباید آنها را در محلات و مدارس،
 روستا ها و سازمانها و... ایجاد کرد. این
 هسته های محلی مقاومت تنها اشکال مناسب
 تشکیلی در برابر پرولتاریا که جنبه ارتداع محسوب
 میگردند که قادرند مبارزات روزمره توده ها را
 سازماندهی و هدایت کنند. بلکه در همان حال
 وجهی از تدارک سیاسی و تدابیر برای نیل به تمام
 مساجله محسوب میگردند. جنبه های محلی
 مقاومت پیوسته هسته های مبارزات توده ها است که
 آشکار و پنهانی به خود تکیه و نقش بسیار اساسی ایفا
 خواهند کرد. جنبه های محلی مقاومت نیز همانند
 جنبه های محلی اقتصاد میباید به مثابه موتور
 های اتحاد عمل بین نیروهای انقلابی محسوب
 گردند. جنبه های وظایف اساسی خود را در این
 دوران که نزدیک، لازم است به چند نکته اشاره
 شود.
 اول باید این حقیقت را در نظر داشت که گام
 برداشتن در جهت تدارک سیاسی و نظامی قیام
 برپایی یک اقتصاد عمومی سیاسی، ایجاد
 جنبه های محلی اقتصاد و هسته های محلی مقاومت
 وظیفه ای بسیار سنگین و دشوار است. که بیجان
 سادگی که در این نوشته تصویر شده است
 صورت نخواهد گرفت بلکه در عمل با مشکلات
 و پیچیدگیهای خاصی روبرو خواهد شد فی المثل

مبارزه در راه برپایی یک اقتصاد عمومی سیاسی
 امری نیست که به آسانی و بر صحنه بیگانه
 صورت پذیرد بلکه نیاز به یک مبارزه پیوسته
 سرسخت و مستمر و خستگی ناپذیر دارد که سرانجام
 از درون مبارزات متعدد اقتصادی و سیاسی کارگران
 سر بر خواهد آورد. وظایف ما در این دوران بسیار
 دشوار است. اما تدارک از این دشواریها و حتی
 ضریباتی که اینجا و آنجا ما وارد میگردیم
 داشت. که نتواند طایمان در تدارک این دوران
 آرام نتواند. مبارزه قانونی که نمیتواند همپای
 ما گام بردارد و خود را کنار خواهند کشید و دشواری
 های موجود را بیهانه قرار خواهند داد. اما
 بر قول کنیم همان به که خود را موافق فعالیت
 سوسیال دموکراتیک نگارند و منتظر بمانند انقلاب
 به مئی زمانی که دوران جنس سیری شده و
 مسجد و روزهای عادی آغاز شده باشند. اما ما
 که چشم انداز روشن مبارزه انقلابی توده ها و
 سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را در برابر خود
 داریم، ما که با تمامی توان و انرژی خود در جهت
 سازماندهی مبارزه حقیقی پرولتاریا و همی
 این مبارزه، تأمین هژمونی پرولتاریا بر جنس
 کوئیدن میسر و نشان پرولتاریائی بر انقلابیو
 پیروزی قطعی آن مبارزه می شویم، از این
 دشواریها نفس هراسیم و خطرات را نیز بدید
 می شویم. ما در دورانی بسر میبریم که شرفات
 مرتجع خودشان قبل از همه خوسل به توده قهریه
 یعنی "سخت داخلی" شده اند و سر نیزه را در
 دستور روز قرار داده اند. اما نیز پرولتاریائی
 از قوی تر و توده های زحمتکش را به برپایی یک
 اقتصاد عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برای
 سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری
 دموکراتیک خلق قرا می خوانیم.

تا نیا، تکیه اساسی ما بر روی ابزار معینی چون
 جنبه های محلی اقتصاد و هسته های محلی
 مقاومت را نباید به منزله نفی تشکیلات کار
 جمله اشکال علی قانونی آن تلقی کرد، بلکه
 تنها تکیه بر این مسئله است که این ابزار
 اصلی تشکیلی و سازماندهی توده ها و هدایت
 مبارزات آنها در شرایط دشواری است و باید انرژی
 عده خود را در اینها متمرکز داشت.

تا نیا، تأکید بر وظایف اساسی این دوران
 به معنای نفی وظایف دائمی و جنبه های معینی
 تبلیغ و ترویج سوسیالیستی و دموکراتیک نیست.
 این وظیفه برای همیشه به قوت خود باقی است.

و اما وظایف رفقای هوادار سازمان !
 وظایف رفقای هوادار سازمان نیز در اساسی ترین
 وجه خود مبارزه در جهت فعالیت علی ما یعنی
 مبارزه در جهت سازماندهی و رهبری مبارزه حقیقی
 پرولتاریاست. و در قوه مشخص رفقای هوادار در
 مرحله کونی جنس مبارزه در راه ایجاد جنبه های
 محلی اقتصاد و هسته های محلی مقاومت است.

اگر امروز شرایط موجود جامعه و مشکلات عمومی
 سازمان اجازه نمی دهد که پیوند های تشکیلاتی
 ارگانیک تدریجی و تدریجی تر با رفقای هوادار برقرار شود
 رفقای هوادار سازمان نباید به انتظار برقراری
 ارتباط دیگر بنشینند. بلکه برعکس اکنون
 که استراتژی و تاکتیکهای سازمان روشن شده
 است و برنامه عمل انقلابی سازمان به شماره
 راهنمای و حال به علی تمام رفقای هوادار منتشر
 شده است. رفقا باید تمام انرژی خود را در
 جهت تحققی این استراتژی و تاکتیکات تبلیغ

و ترویج مواضع سازمان پیوسته برنامه عمل انقلابی
 سازمان بپردازند.

رفقای هوادار سازمان میباید نیروی اصلی
 خود را در حلقه اول - درون ایجاد جنبه های محلی
 اقتصاد در کارخانه ها و دیگر موسساتی که امکان
 و چشم انداز اقتصاد وجود دارد. متمرکز کنند
 اما بیاتنجه موقعیت محلی و وضعی آنها به
 نحوست که نمی توانند در جهت ایجاد جنبه های
 محلی اقتصاد گام بردارند میباید به
 سازماندهی و ایجاد هسته های محلی مقاومت
 در میان مردم محلات، دانش آموزان، سرایان،
 دهقانان و... بپردازند. اما باید در نظر
 داشته باشند که این هسته های مقاومت مستمر
 هواداران سازمان نشوند. بلکه تا حد ممکن در
 اتحاد با نیروهای هوادار سازمانها انقلابی
 دیگر این هسته های مقاومت را در بر گرفته
 مدرسه، سازمانها و روستا بدید آورند، و به
 مرور آنها تبدیل به یک مبارزه توده ای کنند.
 این هسته ها مقاومت باید در مبارزات روزمره
 توده ها شرکت کنند. این مبارزات را سازمان
 تدهی و هدایت کند. به تبدیل و توضیح
 اهداف سازمان انقلاب بپردازند. و در جهت تکبیر
 و ترویج نشریات و اعلامیه ها و تراشها بپردازند.
 حتی تا جنبه امکانات هسته محدود باشند
 اعلامیه ها و تراشها را دست نویس و بخش کنند.
 هسته های مقاومت همچنین باید با همسر
 امطنی که خود در اختیار دارند به فوایدی
 فتنون و آموزشهای نظامی بپردازند. و در جهت
 گند. اقتصاد هسته های مقاومت در
 حدی است که حتی میتوان آنها را در میان
 اعضا خانواده خود نیز بدید آورد.

رفقا هوادار سازمان میباید وسیعاً برنامه
 عمل انقلابی سازمان را در میان توده ها به بخش
 کنند و به تبلیغ و توضیح مواضع آن بپردازند و
 شعارهای سازمان را به میان توده ها بپسارند و
 بیالاره با هر امطنی که در اختیار دارند
 نشریات و اعلامیه های سازمان را تکبیر و ترویج کنند.

رفقای هوادار میباید پس از بیس به خود ضعی
 بایستند و اگر بنا به علی ارتباط آنان با سازمان
 قطع میشود، فعالیت مبارزاتی خود را لایق قطع
 بپوشانند.

در اینجا لازم است که تدریجاً اهمیت شرکت
 فعال رفقای هوادار در مبارزه حقیقی، بپوشند
 پس از بیس سازمان یا توده های مردم پیوسته کارگران
 تا بدان حد است که سازمان از این بیس تنها
 آن دسته از رفقای هوادار سازمان ارتباط مستقیم
 وارد کرد و برقرار خواهد ساخت. که در میان سازمان
 متشکل توده ای. در جهت جنبه محلی اقتصاد و
 یا هسته های مقاومت حضور داشته باشند. و در جهت
 اجرای حفظ و حسی تأشکی سازمان و مواضع
 برنامه عمل سازمان گام بردارند.

رفقای هوادار !
 وظایف ما بسیار سنگین است هر دشواریها
 بسیار. اما تردید نیست که انقلابیون قادرند
 بر هر مشکلی فائق آیند و دشوارترین وظایف
 را به آسانی به انجام برسانند. پیروزی از آن
 کارگران و زحمتکشان و دانشمندان مستقیم
 مزه جمیع تاریخ است.

پیام روز مبارک جنبش مقاومت خلق کرد



خلق کرد سر بلند و استوار همچنان در قابل توپ و تانک
رزم زد خلقی جمهوری اسلامی ایستاده است. سراز
سه سال سرکوب و سیاه رزم کشتن خلقی در اراده
بولادینش وارد نیابوده است. اخبار زیر که از خبرنگار
خرداد ماه شاخه کردستان سازمان برگزیده شده است
تنها تصویر کوچکی از کردستان قهرمان است :

۱۱/۸ - یوگان

بیشترگان فدائی ساعت ۸ شب با گذشتن از ایگاه
دشمن وارد شهر بوکان شده قسمتی از آن راه کنترل
خود در آوردند و طی سه ساعت عملیات موفق آمیز پس
از ۴۰۰ تن از مزدوران رژیم از آن جمله شماری مسئول
بسیج بوکان را به هلاکت رساندند سپس حدود نیمه شب
بصورت مرموز و بدون هیچگونه آسپیس از شهر خارج شدند.
ضربه قدرتی موزع بوده است که صحن خبرهای مونسدی
فردای آن روز ۶ هلیکوپتر برای انتقال اجساد و
زخمیهای رژیم به بوکان میاید. در این عملیات چهار
خودرو دشمن منهدم و همداری مهلت بدست بیشترگان
افتاد. مردم شهر در تمام مدت درگیری و نیز در پایان
عملیات با حضور خود و دادن میوه و شیرینی و آب و
... به بیشترگان آنها را تشویق کرد و یاری رساندند
حین عقب نشینی نیز بیشترگان مورد استقبال زحمتگشان
روستاهای مسیر قرار گرفتند. این ضربه کوشه که تنها
گوشه ای کوچک است انتقام خلق خندگش کرد از مزدوران
رژیم است پس از آن یونان بفرقه های متحد رژیم و وضعی
۲۰ نفر در شهر را برای حفظ اصطلاح بیشترگان
به انبیا رساند.

۱۱/۸ - باشماغ

بعد از گرامید است چهلیمت روز شهادت چهار رفیق
بیشترگ و چهار تن از اهالی زحمتگش روستا، بیشترگان
سازمان و ارباب باشماغ محل شهادت آنها شد نسند
و مراسم باشماغی برگزار کردند در این مراسم که
حضور خانواد شهادت بیشترگان سازمان و جمع کبری
از اهالی روستا برگزار شد یکی از رفقای بیشترگ ضمن
این نهادی به شهادت در باره ماهیت رژیم و وضعیت
کوتی مطالبی ایراد کرد سپس سر از خواندن سرود
رفقای بیشترگ در بین اهالی به شرح مواضع سازمان
پرداختند.

۱۱/۲/۲۵ - جاده بوکان، سفر

در این تاریخ بیشترگان فدائی در ساعت ۴
بعد از ظهر قسمتی از جاده بوکان-سفر را به کنترل
خود در آوردند و به بارید ماشینها را در اختیار خود
۳ ساعت یعنی تا ساعت ۷ به تبلیغ مواضع سازمان
مشغول بودند. با وجود دو ایگاه دشمن حدود ۲۰
جاده دشمن نتوانست هیچگونه حرکتی از خود نشان
دهد و بیشترگان سالم به پایگاه برگشتند.



با ایمان به آرمان سرخ کارگران با ایمان به پیروزی راهمان

کس که زخمی از سرمایه پریشان دارد لانه زده است
بسه چرخه مرک سیزد ؟

انقلابی امروز. انقلابی اموزد. انقلابی اموزد که
چگونه باید در زیر سخت ترین ضرایب دشمن در
عین تریبم در عین آمیختن و آمیزش دادن مبارزه
را تداوم بخشیم. انقلابی اموزد که چگونه
کلیات را بر روش دهم و چگونه ... هر چند رژیم
جبهه روی اسلامی با آنکه به تجارب جهانی سرکوب
نماین و حسیانه ای از جنایت وسیع روحی را بر صحنه
آورده است اما هرگاه در ابعاد گسترده جهانی
و در فراسوی تاریخ بتکریم در میابیم که این نمایش
تنها تکراری است از ریشه های بورژوازی در حال
اختزار. اگر جبهه های مرک و قدریود تانکهای
انقلابیون را مهار سازد فراتر میبایست جاودانه
حکومت کند. اگر کشتار جوانان، زنان و کودکان
به کلاه به بستن هر حرکت اعتراضی برآه انداختن
خون از ریه های و آتشبستی را از مرک میرهاند
اینست سیاست نوادگان هیتلر بر جهان فرمان
برانند. اگر اعمال شگفته در این کردن مسوزان
آره کردن دست و پا و کشیدن ناخن. دستبند
فغانی و تجاوز کار ساز بود سالار و یا چراو؟
بیتوجه قالی ریزند گروستان آرام و معلوب
بورژوازی را حراست نماید. اگر حتی بیمهای
تابالم. ملاحظای میکی سوزانند روستاها
و یا حتی کشتار کردن آبادیها و قتل غارت و ها
میوانست جبهه سرمایه را جاودانه ملارک به
راستی که انجمن ایستد در و شتام بیروزگرد
و میایست کلا و در بی آن نیکراژنه السالوادور
گواتمالا و ... هنوز جزایر نبات و انبند سرمایه
براستند. اما هر چند بارها گفته ایم. باید
فت. یا سر نیزه هر گاری می توان کرد مگر مستمیز
روی آن. ایران انقلاب جهانی که با خون
صدها هزار انقلابی و شویست رفم خورده استنبوی
بیاثر این حقایق است.

اما رژیم جمهوری اسلامی که چون دیگر
مرتجعین هرگز از تاریخ نمی آموزد با هر ضربه که
بر سینه جنبش وارد می آورد میگویند بایان مبارزه
انقلابی را ترسیم کند. آنگاه که موسی را شهید
کردند چه فرقی از اها که بر نیابورند. جومار
سازمان معاهدین در هم پیچیده شد. آخرین
شده تاریخش تبارید شد. و ضربه
سازمان نیز بنا گذری بایان آنگاه که خرد نام جیسانما
بود و توده ها با آنکه به تجارب خود و با بی
اعتدالی دستبند رژیم بر این در رویداد زیبا
میخندند و فدائیان نیز همچنان که سنت
دیوستان استبا قدم اول مبارزه و اییدگرا آخرین
نفس خوابهای طلایی بورژوازی را در هم میزنند.

در این میان که در راه تارین هر بین و خم و
سنگلا مبارزه داده افرادی را خوب و بد بفرمودند
هراس و بیانه خستگی برآوردن بسجوه می افکند.
خواب چشمانشان را فرو میبندد. میبندد که
دیگر تحمل اشیمه قرار ضربه و هیبت را ندارد
اعصابش خرد شده است دریافته است که
اینهمه تترس را نمی ریست. میبندد که بیچ
و خم راه خسته است کرده است نیازمند تجدید
قوا است و آنگاه است که شاهد انفعال و ترفیق
و یا غلظیدن فرد دست عصری به ورطه خیانتیم.
باید دانست در این راه خواب یعنی مرگ.

تن دادن به خستگی یعنی خیانت یعنی
فراموش کردن تمامی آرمانهایی که جهت حفظشان
با در راه نهاده ایم. باید خون سرخ رفیقان
شهادت را شعلی سازیم پیشاپیش راهمان. با
سلاح مارکسیسم جاده. امروز سازیم و رنج و
سختی راه را تا در خاطر نشانین رنج و تدری که
پرولتاریا هر روزه و هر ساعت در پای کوزه ها دراعاق
معادن. در لای جرخهای استعمار و سرکوب
مخمل میبندد بپرا نسیم. برآستی که تنها
بردیتر رفیق تنها با بدل ساختن تمامی کینه مسان
به خصم و مهربان به خلق به شور و نیرو و با به
کارگیری تمام نیرو و خلاصتشان در راه انقلاب
است که میتوان با ایمان بر قله های پر سلاست
الیز آستاند و فریاد کشید. اینجا فریادی که
سراسر فراتر خونیمان را در هم نوردد. فریاد
کشید. با ایمان به آرمان سرخ کارگران
با ایمان به پیروزی راهمان.

از آن تکم که حربه و تجمیع هر دو سود را
از دست تمام آزادیخواهان را به دست نامرکز
انقلاب را در دست خسته سازد و هر چند که بیزاران
نیز دستش را تفریق به خون خلیان الوده بود.
سعید اولین. یا در شمار اولین. برآیان این
بورژوازی سیمانه بود. رژیم در خیال عام بود به
عبت کشید تا مکتفلم سس. شعرس و زبان
در سعید را در خون سرخ مدون سازد. اما
درگاه مرک سعید. چنان که در رتای زندگی
سراسر مبارزه این صد ها شعرس سروده شد.
صدها چهره و ظلم و غلبت و زخمه سرخی
گرایید برآیان خرد می اند. از زبان در آره تا
با شنیدن خبر کرم می خوردند و بدین وجه مر سعید
نه آنچنان که رژیم تصور می کرد نسیم و رومی پس
نفرت و کینه سر افکند.
رژیم جنایت کار راهی به عقبت است هر. ند مید
توما را هزاران توپ به خاکسپاری کرد. نام
جهان را صدها جهان فریاد زدند و سیاست
را هزاران لرو کرد و ترکن کار نرو و خرد کرد و سو
نستند. به شتارد ادامه داد و هزاران جوان را
ضمه جنبه حیوانی سرمایه. است حیوانی
که در جهان غش و ریزی به آرادی است. جسمان
آن است که انسان را آزاد می سواهند و سرمایه رادر
بند. رژیم کشید اثر بین خط. اثر غش
به آزاد و آتش میبندد. اما
توده ها اثر انقلاب را در خون با موم سازد.
کشید چون سرخی را به در دشمن انقلابیون بسته
فریاد بدای میبندد شمار میدان و آند. اما
میرا شد با اثر کوله خام سازد. اما
چه کند با دل چون آتش را آتش زیر؟

زمانی که منصور را کشیدند تمامی رفقا سراپا دین
و آه سوز بودند. شاد بسیار درین گفتند
تا شد با کارها لذت میبندد اما برآستی که
انقلاب هر سس را از زیر پا بر می کشد و تو کوی
انرژی رفقا ده. ندان شد. سیمانه کینه
کشتان به رژیم. تو کوی هر کس میبندد نه
فد. خود که شعره بران تصور دیر میبندد
همین بود زمانی که سیاست و و یاد ایران
به شهادت رسیدند. حس و اندوه از دست دادن
به ترفیق بازتاب خود را در توتای خاندان روسی
بند برآیس و شور و شیمی افزون در مبارزه با خصم
ضربه اتی میافت. آنگاه که ده ها تن مای می رسید
دهها سیاست. دهها محسن و دهها سعید و
داود و جهان سر بر می آوردند میدانستیم که
رفقایمان برآستی زنده اند. این نه بیخادنه
نه به ترفیق بله در آلیت تاریخ است زندگانی
هر مبارز تداوم خود را در پیا خاشتن دعبا و
صدها رزمنده می باید.

به بار سال ۶۱ جوانان که به بار سال
شده به آن سر و خوین داشت. بار دیگر رفیقان
به خانان داشت. رژیم ضربه ای بر دیگر سازمان
فرو آورد. هر چند حدود پنج و ده نفر در
برای ایمن جان گرفت. هر چند توفی کجه ای
قلب بر آلی خلق فشرده شده و درون نشست
اما رسم فدائیان خلق آن است که یاد رفقای شهید
را با تاد اوم هر چه بیشتر بر و ختر راهشان
گرامی دارند. اثر این زندگانی نیست تا به خرمو
بدود از هر احتیاط امنیتی سازد. مدارا میبندد

هر که باید در آلیت کارش را تداوم میبندد
اثر این است. اثر این است. اثر این است
اثر عیار و حید و احتیاط و دیر رفیقان در همه
خورندند به هر چند ظلمان درون نه بسته است
اما به بار که از آنرو که از نیرو. برآیان توده ها
تا شد کرمه اسم و از آنرو که از آلیت رفیقان
تیره و میگردد ما بیسازمانیم. ما در تیره سر
سازمانیم. در هر صورت در جهان زاده میبندد
در هر کوزه تار کومه نان زحمتشان در تیره
جسای رنج و درد. استعمار و خردانه بوده است
نم و نامی میبندد در در آلیت. سراز در هر
اعتدال و در در آلیت توده ها میبندد. بپرز
میبندد. در هر تیرا حس میبندد در هر یونان
به سرمایه بندد. با آلیت میبندد. با آلیت
این خلق رنج دیده ای. اما آلیت میبندد
آرزو میبندد. آیا می توان ستر را تیر باران
زد؟ آیا می توان شماره ای. سس میبندد. آیا
... سس میبندد. کارگران را به توده میبندد؟
... میبندد. از دیر به در قلب خردان

توجه: به علت ناخوانایی کپی اصلی امکان انتشار آنها نتوانستیم.